

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی تطبیقی دو گونه زبانی فارسی سیرجان و پاریز

استاد راهنما:

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور:

دکتر سید مصطفی عاصی

پژوهشگر:

مصطفی خشوعی پاریزی

دی ماه 1389

«من لم يشكر المخلوق، لم يشكر الخالق»

قدردان و وامدار اساتید گرانقدر و بزرگواریم که در مدت تحصیل در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعاتی فرهنگی از محضر ایشان بهره‌مند گشتم. تشکر ویژه‌ای دارم از استاد گرامی، سرکار خانم دکتر زهره زرشناس که صبورانه و دلسوزانه این شاگرد ناخلف را تحمل و راهنمایی نمودند. از جناب آقای دکتر سید مصطفی عاصی نیز که زحمت مشاوره بنده را تقبل نمودند، کمال تشکر و امتنان را دارم.

باشد که این عزیزان بنده را عفو نمایند.

مصطفی خشوعی پاریزی

تقدیرم بہ:

انا ہی کویر نشین سہ مرجان

و

ساکنان کوہستان پاریز

چکیده

اهمیت ثبت و بررسی گویش‌ها از آنجاست که، زبان و گویش هر جامعه تشکیل دهنده بخشی از فرهنگ و هویت آن جامعه است. در مورد دو گونه زبانی سیرجان و پاریز آنچه پیش از این صورت گرفته، منحصر به تهیه و گردآوری تعدادی واژه‌نامه است. این پژوهش نخستین تلاش در بررسی زبان‌شناختی این دو گونه زبانی است، بدین منظور پس از ضبط و گردآوری صحبت‌های گویشوران بومی سیرجان و پاریز و بررسی آنها، اطلاعات به دست آمده در سه بخش دسته‌بندی و تدوین شد. فصل اول با عنوان **بررسی آواشناختی و واج‌شناختی** به بررسی واکه‌ها و همخوان‌های این دو گونه زبانی و تعیین آنها از طریق جفت‌های کمینه می‌پردازد. بررسی واج‌گونه‌ها، واکه‌های مرکب، تکیه، فرآیندهای آوایی و... از دیگر مباحث این فصل می‌باشد. همچنین در این فصل در مبحثی با نام «گونه جدید و گونه اصیل» (در مورد آن در مبحث 1-5 توضیح داده شده است) تفاوت‌های همخوانی و واکه‌ای موجود در این دو گونه زبانی ارائه شده است. در فصل دوم با عنوان **صرف (ساخت واژه)** به مطالب و مسائل مربوط به واژه، شناسایی ساختمان و ساختار واژه‌ها و بررسی و استخراج برخی قواعد واژه‌سازی پرداخته می‌شود. بررسی فعل و انواع آن در این دو گونه زبانی، آخرین مبحث فصل دوم است. فصل سوم **نحو (ساخت جمله)** نام دارد و به بررسی جمله و ویژگی‌های آن در این دو گونه زبانی می‌پردازد. در پایان بخشی با عنوان پیوست‌ها افزوده شده که در آن تعدادی ضرب‌المثل - که یقیناً همه آنها مختص به این دو گونه زبانی نیستند - و واژه‌نامه تهیه و ارائه شده است.

واژگان کلیدی: گونه زبانی، سیرجان، پاریز، صرف، نحو، آواشناسی

فهرست مطالب

5	نشانه‌ها.....
8	پیشگفتار.....
10	مقدمه.....

فصل اول: زسب آواشناختی و جوشناختی

14	1-1- وا که‌ها.....
15	1-1-1- واجگونه‌های وا که‌ای.....
16	2-1-1- وا که‌های مرکب.....
18	3-1-1- نمودار وا که‌ها.....
18	2-1- همخوانها.....
20	1-2-1- همخوانهای میانجی.....
21	2-2-1- جدول همخوانها.....
22	3-1- ساختمان هجا.....
22	4-1- تکیه.....
22	5-1- گونه جدید و گونه اصیل.....
23	1-5-1- تفاوت‌های همخوانی.....
27	2-5-1- تفاوت‌های وا که‌ای.....
31	6-1- فرآیندهای آوایی.....
31	1-6-1- حذف.....
32	2-6-1- اضافه.....
33	3-6-1- قلب.....
33	4-6-1- همگونی.....
35	5-6-1- ابدال.....

فصل دوم: صرف (ساخت و اثره)

38	1-2- اسم.....
38	1-1-2- شمار (مفرد و جمع).....
40	2-1-2- معرفه و نکره.....

40.....	3-1-2_ نشانه اضافه
41.....	4-1-2_ نشانه ندا
43.....	2-2_ ضمير
44.....	2-2-2_ ضمائر شخصی متصل
44.....	3-2-2_ ضمائر اشاره
44.....	4-2-2_ ضمائر اشاره تأکیدی
45.....	5-2-2_ ضمائر متقابل
45.....	6-2-2_ ضمائر مشترک
45.....	7-2-2_ ضمائر پرسشی
45.....	8-2-2_ ضمائر مبهم
46.....	3-2_ صفت
46.....	1-3-2_ صفت قاموسی
46.....	یک- صفت ساده
47.....	دو- صفت تفضیلی
47.....	سه- صفت عالی
47.....	2-3-2_ صفت اشاره
47.....	3-3-2_ صفت اشاره تأکیدی
48.....	4-3-2_ صفت پرسشی
48.....	5-3-2_ صفت مبهم
48.....	6-3-2_ صفت تعجیبی
49.....	7-3-2_ صفت عددی
49.....	4-2_ عدد
49.....	یک- اعداد اصلی
51.....	دو- اعداد ترتیبی
51.....	سه- اعداد کسری
52.....	5-2_ قید
55.....	6-2_ نقش نماها
55.....	1-6-2_ حروف اضافه
57.....	2-6-2_ حروف ربط
57.....	7-2_ اصوات
58.....	8-2_ انواع واژه

- 59.....1-8.2- انواع واژه‌های مرکب
- 65.....2.8.2- واژه مشتق
- 65.....1.2.8.2- پیشوندهای اشتقاقی:
- 66.....2.2.8.2- پسوندهای اشتقاقی
- 72.....9.2- فعل
- 73.....الف- فعل ساده:
- 73.....ب - فعل مشتق (=پیشوندی):
- 73.....ج - فعل مرکب:
- 75.....1-9.2- ستاک فعل
- 75.....1.1-9.2- ستاک حال
- 76.....2.1-9.2- ستاک گذشته
- 77.....3-9.2- اسم مفعول (صفت مفعولی)
- 77.....4-9.2- انواع فعل
- 77.....یک- آینده
- 78.....دو- مضارع اخباری (استمراری)
- 79.....سه- مضارع التزامی
- 80.....چهار- مضارع در حال انجام
- 80.....پنج- ماضی ساده
- 81.....شش- ماضی استمراری
- 81.....هفت- ماضی نقلی
- 82.....هشت- ماضی در حال انجام
- 82.....نه- ماضی التزامی
- 82.....ده- ماضی بعید
- 83.....یازده- امر
- 84.....دوازده- نهی، نفی
- 85.....5-9.2- فعل معلوم و مجهول
- 85.....6-9.2- فعل لازم و متعدی
- 86.....7-9.2- فعل سببی
- 87.....8-9.2- فعل ربطی
- 87.....9-9.2- فعل معین
- 88.....10-9.2- فعل شبه معین

فصل روم نوح و (انزات جمله)

89.....	1-3- ارکان جمله
90.....	2-3- مطابقه فعل و فاعل در شخص و شمار
91.....	3-3- انواع جمله از نظر تعداد فعل
91.....	1-3-3- جمله ساده
91.....	2-3-3- جمله مرکب
91.....	یک- جمله مرکب همپایه
92.....	دو- جمله مرکب ناهمپایه (وابسته)
93.....	4-3- انواع جمله از نظر وجه
93.....	یک- جمله خبری:
94.....	دو- جمله پرسشی
94.....	الف- با کلمات پرسشی:
94.....	ب- بدون کلمات پرسشی:
94.....	سه- جمله امری
95.....	چهار- جمله التزامی
96.....	5-3- جمله شرطی
97.....	6-3- جمله اسنادی
98.....	پیوستها
99.....	ضرب المثلها
105.....	واژهنامه
125.....	کتابنامه

نشانه‌ها

1- همخوان‌ها:

خط آوانگار	خط فارسی
p	پ
b	ب
t	ت، ط
d	د
k	ک
g	گ
q	ق، غ
ʔ	ع، همزه
f	ف
v	و
s	س، ث، ص
z	ز، ذ، ض، ظ
š	ش
ž	ژ
x	خ
h	ح، هـ
č	چ
j	ج

r	ر
l	ل
m	م
n	ن
y	ی

2_ واکه‌ها:

a	آ
a:	آ کشیده
e	إ
e:	إ کشیده
o	أ
o:	أ کشیده
ā	آ
i	ای
u	او
ey	إی
ay	آی
oy	أی
āy	آی
uy	اوی
ow	أو
aw	آو

3- سایر نشانه‌ها:

∅	تهی، صفر
'	تکیه
/	یا
[]	نشانه آوایی
//	نشانه واج
()	معنی و توضیح اضافی

بیشگفتار

بی‌شک آنچه بنده را به تهیه این دفتر واداشت، عشق و علاقه‌ای است که در نهاد هر کسی نسبت به دیار و زادگاهش وجود دارد، علاقه به فرهنگ، آداب و رسوم، لهجه و گویش مردم و حتی کوچه‌ها و خیابان‌ها.

اغراق نیست اگر بگوییم از سال‌ها پیش در فکر انجام تحقیقی هرچند مختصر در مورد لهجه و گویش مردم سیرجان بودم و در این رابطه آنچه بیش از همه برایم جالب بود وجود واژه‌هایی بود که هیچگاه آنها را در کتاب‌ها نخوانده و از رادیو و تلویزیون نشنیده بودم. تحصیل در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی فرصتی پیش آورد تا بدین امل جامه عمل بپوشانم، به ویژه آن که ریشه برخی از واژه‌هایی را که در گویش مردم سیرجان کاربرد دارد در متون قدیم یافتیم و علاقه‌ام دوچندان شد. به عنوان مثال واژه «کلپک» که به جای واژه «مارمولک» فارسی استاندارد به کار می‌رود، همان «چلیپاسه»‌ای است که در دینکرد آمده است: «... ضحاک این زمین را پر کند از مور گزنده و کژدم و چلیپاسه و کشف و وزغ». (دینکرد مدن، ص 811).

چلیپاسه ← کلپاسه (تبدیل چ به ک) ← کلپاسک (مصغر) ← کلپک (حذف)

تلفظ واژه‌هایی مثل؛ eškam (شکم)، eškassan (شکستن)، ešpeš (شپش) و... صورت قدیمی و اصیل این واژه‌هاست، یا واژه «آدور» که به خار و تیغ گیاهان اطلاق می‌شود می‌تواند همان تلفظ اوستایی «آتش» باشد، شاید بدین علت که سابقاً بوته‌های خار بهترین وسیله‌ی افروختن آتش بودند یا شاید به این علت که آتش می‌سوزاند و دست‌زدن و برخورد با خار نیز باعث سوزش می‌شود! مطمئناً با تحقیق بیشتر می‌توان به اصل و ریشه بسیاری از واژه‌هایی که در این منطقه کاربرد دارد و در فارسی امروز نامأنوس و ناشناخته‌اند پی برد، که البته این امر مستلزم تحقیقی جداگانه و خارج از بحث این دفتر است.

با پیشنهاد خانم دکتر زرشناس بررسی گونه‌زبانی پاریز و تطبیق آن با گونه‌زبانی سیرجان به این پژوهش افزوده شد پس لازمه‌ی این پژوهش بررسی و تطبیق واژگان و قواعد دستوری این دو گونه‌ی زبانی است، اما تنها چیزی که امروز به عنوان تفاوت در این دو گونه‌ی زبانی قابل تمایز است کاربرد برخی واژگان است، بدین معنی که گفتار و گویش مردم سیرجان همراه با پیشرفت و گسترش شهر و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، و نیز در مواجهه بیشتر با فارسی استاندارد از طریق تحصیل جوانان در مراکز دانشگاهی سایر شهرها دستخوش تغییراتی شده و به فارسی استاندارد نزدیک شده است. همچنین مهاجرت افرادی از سایر شهرها برای کار در مؤسساتی همچون معدن سنگ آهن گل‌گهر، منطقه ویژه

اقتصادی و... یا تحصیل در مراکز دانشگاهی سیرجان، مزید علت شده و بر سرعت این تغییر و تحول افزوده است. این تحولات باعث شده تا تلفظ برخی واژه‌ها به طور کلی یا جزئی تغییر یابد و برخی واژه‌های بومی با واژه‌های معادل در فارسی استاندارد جایگزین شوند. اما مردم پاریز و گفتار و گویششان تا حد زیادی از این مسئله مصون مانده و بسیار کمتر دچار تغییر و تحول شده‌اند. پس گونه زبانی پاریز نسبت به گونه زبانی سیرجان بکرتر و کاربرد اصطلاحات و واژه‌های بومی در آن بیشتر است و اگر بخواهیم تفاوت و افتراقی بین این دو گونه زبانی قائل شویم، همان است که ذکر شد و نه بیشتر. عیب نیست اگر امروز گونه‌های زبانی سیرجان و پاریز را یک گونه زبانی در دو منطقه جغرافیایی بدانیم. تحقیق و مشورت با تعدادی از گویشوران پاریز و سیرجان بر این ادعا که گونه زبانی سیرجان با گونه زبانی پاریز تقریباً یکسان و مشابه است، صحه گذاشت. لذا پس از آشکار شدن این موضوع برای پرهیز از تکرار مطالب، دو گونه زبانی عملاً به عنوان یک گونه زبانی مورد بررسی قرار گرفتند.

برای کسب نتیجه بهتر از گویشوران مختلف از نظر سن، جنسیت و تحصیلات استفاده شد و کتاب «گویش کلاردشت (رودبارک)» تالیف دکتر ایران کلباسی، به عنوان الگوی اصلی کار مورد استفاده قرار گرفت.

در پایان وظیفه خود می‌دانم از گویشوران، آقای علی اجودی (87 ساله، باسواد)، خانم ربابه عزیزپور (84 ساله، بی‌سواد)، خانم معصومه اجودی (80 ساله، بی‌سواد)، آقای علی اصغر خشوعی پاریزی (46 ساله، سیکل)، خانم فاطمه ثانی (40 ساله، تحصیلات دبیرستانی)، آقای مجید رجایی (45 ساله، سیکل) و آقای مرتضی اجودی (26 ساله، دیپلم) که در تهیه و به ثمر رسیدن این مجموعه بنده را یاری کردند، تشکر و قدردانی نمایم.

مقدمه

هرچند که از روی کریمان خجلیم
در روی زمین نیست چو کرمان جایی
غم نیست که پرورده در این آب و گلیم
کرمان دل عالم است و ما اهل دلیم

«شاه نعمت‌الله»

سیرجان¹

شهرستان سیرجان با مرکزیت شهر سیرجان، در استان کرمان واقع شده است. سیرجان در فاصله 175 کیلومتری جنوب غربی کرمان واقع شده و از شمال به شهرستان‌های رفسنجان و شهر بابک، از جنوب به استان هرمزگان، از غرب به استان فارس و از شرق به شهرهای بافت و بردسیر محدود می‌شود. جمعیت این شهر برپایه سرشماری سال 1385 برابر با 167/014 نفر می‌باشد.

سیرجان تا بعد از اسلام و تا اواسط قرن دهم میلادی شهر عمده و مرکز ایالت کرمان بوده و «شهریگان» و «سیرگان» هم گفته شده است. شهر قدیم سیرجان تا سال 796 هـ. ق آباد بوده و محل استقرار آن در 9 کیلومتری جنوب شرقی شهر فعلی سیرجان بوده است. در این سال شهر توسط «ایدکو»، سردار تیمور، محاصره شد و به کلی نابود گردید و مردم شهر در محدوده «باغ بمید» واقع در شمال شهر فعلی سیرجان ساکن گردیدند و در این منطقه در حدود 400 سال سکونت کردند. با هجوم محمود افغان این منطقه نیز نابود گردید و مردم مجبور به سکونت در محدوده فعلی شهر سیرجان گردیدند که توسط میرزا سعید کلانتر در سال 1211 هـ. ق بنیان گردید.

سیرجان به علت موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن بر سر راه‌های ارتباطی کرمان، یزد، بندر عباس و شیراز، و نیز به سبب وجود منابع معدنی بسیار، همچون معدن سنگ آهن گل گهر، از دیرباز

1 مطالب این قسمت از سایت‌های www.sirjan.ir و www.sirjantoday.com اقتباس شده است.

مورد توجه بوده است. تأسیس منطقه ویژه اقتصادی سیرجان به عنوان اولین منطقه ویژه اقتصادی کشور، و احداث فرودگاه، رونق فراوانی در زمینه اقتصادی برای سیرجان به همراه داشته است. مساحت سیرجان 13553 کیلومتر مربع است که قسمت اعظم آن را بیابان و مناطق کوهستانی پوشانده است. مهمترین ارتفاعات سیرجان عبارتند از: کوه پنج، چهارگنبد، بیدخوان و کوه «عین البقر». آب و هوای این شهر نیمه‌بیابانی است، در تابستان نسبتاً گرم و خشک و در زمستان سرد است. پوشش گیاهان جنگلی این شهر بیشتر شامل: قیچ، گون (کتیرا) و پسته کوهی (بینه) است. حیوانات این منطقه در کوهستان‌ها روباه، گرگ، گراز، کفتار، پلنگ، قوچ و میش، و در دشت‌ها آهو، گورخر، و پرندگانی از قبیل کبک، تیهو و سینه‌سیاه است.

معروف‌ترین آثار تاریخی و جاذبه‌های گردشگری سیرجان عبارتند از:

- قلعه سنگ؛ باقیمانده قلعه بزرگ تاریخی است که جزء قلعه‌های نظامی بوده، و بنای اولیه شهر در اطراف آن قرار داشته است.

- منبر سنگی؛ سابقاً در قسمت شمال قلعه سنگ مسجدی واقع بوده و منبر سنگی در آن قرار داشته است. قدمت این منبر به سال 789 هـ.ق برمی‌گردد.

- آتشکده شاه فیروز؛ باقیمانده بنای آتشکده‌ای است که بر بالای تپه‌ای در 12 کیلومتری جنوب شرقی سیرجان قرار دارد.

- بادگیرهای چُپقی؛ این بادگیرها در زمان پهلوی اول و با الگو از دودکش کشتی‌های بخار، در منزل سید حسین رضوی معروف به «حاج رشید»، ساخته شده است.

- باغ سنگی؛ درویش‌خان اسفندیارپور که از قدرت‌جویایی و شنوایی محروم بود، در مقابل ظلمی که رژیم سابق در حق او کرد و باغی را که با خون دل آباد کرده بود از او گرفت، اقدام به ساخت باغ سنگی کرد. او سنگ‌های کوچک و بزرگ را از راه‌های دور و نزدیک جمع کرد و با سوراخ کردن و آویزان کردن آنها از تنه درختان خشکیده، باغی منحصر به فرد پدید آورد.

آستانه‌های مقدسه «امامزاده علی» و «امامزاده احمد» از مهم‌ترین زیارتگاه‌های سیرجان می‌باشند.

از مهم‌ترین سوغات سیرجان می‌توان به پسته، مسقطی و قاووت (قوتو) اشاره کرد.

پاریز¹

بخش پاریز شهرستان سیرجان در شمال شهرستان و در فاصله 60 کیلومتری از آن قرار دارد. پاریز از شمال به شهرستان رفسنجان، از شرق به شهرستان بردسیر و از شمال غرب به شهرستان شهر بابک محدود می‌شود. بخش پاریز در سال 1380 شکل گرفت و مرکز آن، دهستان پاریز، در سال 1385 به شهر تبدیل شد. طبق سرشماری سال 1385 جمعیت پاریز 4/507 نفر اعلام شد. پاریز دارای آب و هوای معتدل و نیمه‌خشک است. قسمت‌های شمالی بخش پاریز را ارتفاعات پوشانده است و به همین علت بارندگی در شمال بخش پاریز از نواحی دیگر بیشتر است.

براساس مدارک تاریخی موجود، قدمت پاریز به حدود 2000 سال قبل می‌رسد. در مجاورت قبرستان فعلی پاریز، قبرستانی به نام «چهل گزی» واقع بوده که با توجه به آثار به دست آمده از آن، اجداد مردم پاریز دارای اندامی ورزیده و بلندقد بوده‌اند. وجود سکه‌های دوره ایلیخانی از دیگر دلایل قدمت تاریخی این شهر است.

از عوامل مؤثر در تحول بخش پاریز، وجود معدن «مس سرچشمه» است که در بهبود اوضاع اقتصادی مردم پاریز نقش چشمگیری داشته است، هرچند که از تأثیرات سوء دود حاصل از کارخانه‌های آن در آلودگی هوای پاریز و نابودی مراتع، نباید چشم پوشید. این معدن در 20 کیلومتری شمال پاریز قرار دارد و بر اشتغال ساکنین پاریز، تأثیرات فراوانی داشته است. امروزه تعداد زیادی از مردم پاریز به صورت نیروی متخصص و کارگر در این واحد صنعتی فعالیت می‌نمایند. صنایع دستی رایج در پاریز شامل قالی‌بافی، گلیم‌بافی و پته‌دوزی می‌باشد.

تحقیقات انجام شده در مورد دو گونه زبانی سیرجان و پاریز

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون هیچ تحقیق و پژوهشی در مورد گونه زبانی پاریز صورت نگرفته است. اما در مورد گونه زبانی سیرجان، آنچه تاکنون انجام شده واژه‌نامه‌هایی است که تنها منحصر به گردآوری واژگان و اصطلاحات محلی می‌باشند. در این واژه‌نامه‌ها آوانویسی و معنی واژگان و اصطلاحات بومی، ارائه شده است.

1 مطالب این قسمت از سایت www.parizshora.ir اقتباس شده است.

نخست کتاب «نامه سیرجان» اثر آقای محمود سریزدی که در سال 1380 توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی به چاپ رسیده است. در این کتاب، علاوه بر این که تعداد واژه‌ها و اصطلاحات محلّی ثبت شده، اندک است، آوانویسی و تلفظ برخی واژه‌ها و اصطلاحات نادرست است. به عنوان مثال:

tah priāhan به جای ta: piran (تک پیراهن) / tah gah به جای ta:gā (سکّو) /
 parhizāne به جای pa:rizune (پرهیزانه) / huriz به جای howriz (یورش) و... ثبت شده است.

کتاب «گوش مردم سیرجان» تألیف خانم مهری موّید محسنی، اثر دیگری است که در سال 1381 توسط مرکز کرمان‌شناسی به چاپ رسیده است. این کتاب نسبت به اثر آقای سریزدی بسیار مفصّل‌تر است و ضرب‌المثل، اصطلاحات و واژه‌های بیشماری در آن گردآوری و ثبت شده است. در این اثر نیز از لحاظ نشانه‌های آوانویسی و تلفظ برخی واژه‌ها اشکالاتی وجود دارد. مثلاً:

eškam به جای ?eškam (شکم) / toun به جای to?un (تاوان) / teraqu به جای teraqqu (ترقه) / jaku به جای jakku (ملخ) / tar به جای ta:r (طرح) / šalid به جای ša:lid (پوسید) و...

استاد محمد علی آزادینخواه نیز واژه‌نامه‌ای با نام «واژه‌های محلّی و عامیانه سیرجان» گردآورده‌اند که آن هم مانند دو اثر یاد شده شامل تعدادی واژه و اصطلاح محلّی و معنای آنهاست.

در هر حال تلاش و کوشش این بزرگواران در جهت حفظ و صیانت از گویش محلّی قابل ستایش و تمجید است و مسلماً این آثار و اثر نگارنده آخرین کارها در این زمینه نخواهند بود.

گمان مبر که به پایان رسید کار رزان

هزار باده ناخورده در دل تاک است

«اقبال لاهوری»

فصل اول

بررسی آوا شناختی و واج شناختی

1-1- وا که‌ها

نظام واکه‌ای در این دو گونه زبانی شامل 6 واکه است که عبارتند از:

یک- /i/

واکه‌ای است پیشین، بسته، گسترده: pič (پیچ)، pač (له، خرد)

دو- /e/

واکه‌ای است پیشین، نیم باز، گسترده: te (تو)، tu (درون، توی)

سه- /a/

واکه‌ای است پیشین، باز، گسترده: dal (شبیبه، مانند)، del (دل)

چهار- /u/

واکه‌ای است پسین، بسته، گرد: kuš (آغوش)، koš (کاش)

پنج- /o/

واکه‌ای است پسین، نیمه‌باز، گرد: pot (مو)، put (پوک، بی‌مغز)

شش- /ā/

واکه‌ای است پسین، باز‌گرد: mār (مار)، mar (جوانه)

1-1-1- واجگونه‌های واکه‌ای

واکه‌های این دو گونه زبانی دارای گونه‌هایی است که در اینجا به واجگونه‌هایی اشاره می‌شود که در فارسی معیار (نه فارسی محاوره‌ای) وجود ندارند:

یک- [e:]

گونه کشیده /e/ است که غالباً با حذف همخوانهای /h/ یا /ʔ/ از مجاورت آن بوجود می‌آید:

fe:rest	fehrest	فهرست
?e:sān	?ehsān	احسان
še:r	še?r	شعر
?e:lām	?e?lām	اعلام
حذف همخوانهای /h/ یا /z/ از مجاورت /e/ همیشه باعث کشش آن نمی‌گردد.		
čel	čehel	چهل
?etiyāj	?ehtiyāj	احتیاج
?etemāl	?ehtemāl	احتمال
?etebār	?e?tebār	اعتبار

دو- [a:]

گونه کشیده /a/ است که معمولاً با حذف همخوانهای /h/ یا /ʔ/ از مجاورت آن بوجود می‌آید:

ma:ni	ma?ni	معنی
?a:vāl	?ahvāl	احوال
?a:l	?ahl	اهل
na:nā	na?nā?	نعناع
ma:mud	mahmud	محمود
pa:nā	pahnā	پهنا